

DOES FEDERALISM ALLOW STATES TO DENY HUMAN RIGHTS

<http://www.ghandchi.com/362-FederalismRights-plus.htm>

متن مقاله بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/362-FederalismRightsEng.htm>



سام قندچی

آیا فدرالیسم اجازه سلب حقوق انسانی را به ایالات میدهد؟

یکی از دلایل مخالفت بخش مهمی از جنبش مترقی ایران با فدرالیسم برای ایران، درک غلط از موضوع اختیارات دولت های ایالتی در محدود کردن حقوق انسانی شهروندان مقیم ایالت مطبوع آنها است. بسیاری تصور میکنند که اگر در ایران فدرالیسم بوجود آید، مثلاً یک دولت ایالتی در آذربایجان میتواند تصمیم بگیرد که مثلاً اهالی ایالت حق دسترسی به اینترنت را نداشته باشند.

من برای آنکه موضوع را بهتر توضیح دهم، میخواهم از مثال ایالات جنوب در دوران جنگ داخلی در آمریکا استفاده کنم، وقتی آن ایالات تصور میکردند که فدرالیسم به آنها حق حفظ سیستم برده داری در ایالات خود را میدهد، و تصور میکردند دولت فدرال حق ندارد آنها را به الغای برده داری وادار کند. در عمل این تنها موردی بود که فدرالیسم در آمریکا، از طریق جنگ، به اختلافی میان ایالات معینی و دولت فدرال انجامید. مسأله چه بود؟

در پی استقلال آمریکا دو جریان اصلی سیاسی در ارتباط با موضوع فدرالیسم شکل میگیرند، و اتفاقاً هر دو هم در شمال در نقاط مهد اولیه ایالات متحده بودند. اولی ها متعلق به حزب فدرالیست بود و دومی ها هوادار حزب دموکرات بودند، که البته در آن زمان حزب دموکرات-جمهوریخواه خوانده میشد و موسس آن توماس جفرسون بود. تا دوره دوم ریاست جمهوری جرج واشنگتن، حزب فدرالیست شکل گرفته بود، و واشنگتن در انتخابات دوره دوم خود، کاندیدای حزب فدرالیست بود، و جان ادامز دومین پرزیدنت آمریکا هم از آن حزب بود.

برعکس درک رایج در جنبش سیاسی ایران از اصطلاح فدرالیسم، که به کسانی که حقوق ایالات را بیشتر در مد نظر دارند اطلاق میشود، در آمریکا کاربرد اصطلاح فدرالیست، منظور کسانی است که تأکیدشان بر حقوق دولت مرکزی بوده است، چرا که دولت مرکزی دولت فدرال نامیده میشود. از سوی دیگر طرفداران حزب دموکرات، بر عکس طرفداران حزب فدرالیست دوران ابتدای ایالات متحده آمریکا، تأکیدشان بر حقوق ایالات بود.

یکی از شخصیت های اصلی حزب فدرالیست الکساندر هامیلتون بود، که به همراه مدیسون، **نویسندگان فدرالیسم** را نوشته است، که من قبلاً در **کردستان، فدرالیسم، و احساسات ملی ایرانیان** آنرا بحث کرده ام. در واقع آن نوشته ها، کوشش هائی جهت توضیح ساختار های قضائی کنترل و توازن، در درون یک سیستم فدرالی است، چرا که آمریکا خود در ابتدا، از الحاق تعدادی کولونی های نسبتاً مجزا بوجود آمده بود، و نه آنکه از یک رژیم متمرکز قبلی حاصل شده باشد، و وظیفه مقابل پایه گذاران آمریکا آنقدر شکل دادن ارگان های ایالتی نبود، که اساساً موجود بودند، بلکه شکل دادن ساختار های دولت فدرال بود، که بعد از انقلاب شکل گرفتند.

در نتیجه بسیاری از تأکید های فدرالیست ها بر روی اختیارات دولت مرکزی، حتی باعث سو ظن کسانی نظیر جفرسون شد، که تا مدتها فکر میکرد هامیلتون در پی ایجاد یک رژیم سلطنتی در آمریکا است. البته بعدها هامیلتون، در زمان کاندیداتوری جفرسون برای رئیس جمهوری، از جفرسون پشتیبانی کرد، با اینکه جفرسون از حزب رقیب بود. همچنین مدیسون نیز بعدها بسیار به جفرسون نزدیک شد، و به عنوان نامزد حزب دموکرات آن زمان، رئیس جمهور شد.

شایسته ذکر است که در دوران ریاست جمهوری مدیسون است که انگلیس شهر واشنگتن را در سال 1814 تسخیر کرده و کاخ سفید و ساختمان کنگره را آتش زد، و مدیسون به ویرجینیا رفتن. یعنی نیروی استعمارگر انگلیس، نه از فدرالیست ها راضی بود، که بر دولت مرکزی تأکید داشتند، و نه از دموکراتها که تأکیدشان بر حقوق ایالات بودند، و نیابستی برنامه هیچکدام از آنها را برنامه استعمار دانست. در مورد ایران هم به همینگونه زمانهایی بوده است که استعمار خواهان تجزیه ایران بوده است، و زمانهایی هم خواهان تمرکز بوده است. در نتیجه نسبت دادن برنامه دولت متمرکز یا برنامه سیستم فدرالی به استعمار غلط است.

حدود یک صد سال بعد از دوران پایه گذاران ایالت متحده، موضوع برده داری در ارتباط با فدرالیسم در آمریکا طرح میشود. ایالات برده دار، ادعا میکردند که این حق ایالتی آنها در سیستم فدرال است، که در ایالت خود بتوانند برده داری را حفظ کنند. در واقع علت آنکه حزب دموکرات، اساساً نتوانست برای الغای برده داری موثر باشد، بخاطر آن بود که بخش بزرگی از آن حزب به این اشتباه افتادند، که گویی ایالات حق دارند حقوق انسانی آزادی بشر از بردگی را، از شهر وندان ایالت خود سلب کنند، در صورتیکه حقوق بشر بالاتر از حقوق ایالت است.

ابراهام لینکلن یعنی رئیس جمهور حزب جمهوریخواه، که در آنزمان حزب جوانی بود، به روشنی موضع الغای برده داری را در فراسوی حقوق ایالات طرح کرده، و برای آن مبارزه کرد، در صورتیکه حزب دموکرات نتوانست در این برهه از زمان موضوع ارجحیت حقوق بشر بر حقوق ایالات را درک کند.

در جهان امروز نیز، در ارتباط با ایران، ما با مسأله مشابهی روبرو هستیم. آنها که درکشان از فدرالیسم، حکومت های خانجانی قومی است، که بتوانند حقوق بشر را تابع حقوق ایالات کنند، درک غلطی از فدرالیسم دارند، و از سوی دیگر نیز عده ای این درک غلط از فدرالیسم را مساوی خواست طرفداران فدرالیسم برای ایران مینمایانند، و با رد این موضع غلط، سعی در بی اعتبار کردن برنامه حکومت فدرالی برای ایران دارند، و خواهان بازگشت استبداد به ایران و در جهت ضدیت با حقوق ملیت های ایران کوشش میکنند.

اشتباه امثال پیشه وری و فرقه دموکرات آذربایجان، نه دفاع آنان از حقوق ملیت های ایران بود، بلکه پیوستن آنها به یک نیروی بیگانه بود، آنچه که اتفاقاً بسیاری از مخالفین فدرالیسم امروز دارند تکرار میکنند، و آنها خواست برای حمله یک نیروی بیگانه به ایران، یعنی حمله آمریکا به ایران را، برای رسیدن به قدرت در ایران طرح میکنند.

در واقع اشتباه اینان نظیر اشتباه پیشه وری است. پیشه وری آنروز با ساده اندیشی درباره متجاوزین خارجی آنزمان، و اینان با ساده اندیشی در ارتباط با متجاوزین خارجی امروز، هردو فراموش کرده و میکنند که بهترین راه حل برای همه مردم ایران را، خود مردم ایران هستند که میسازند، و آنهم در یک حکومت آزاد، و حمله هیچ نیروی تجاوزگر به ایران راه حل آزادی و عدالت و ترقی آینده ایران نیست.

همانطور که در **کردها و شکل گیری دولت مرکزی در ایران** نوشته ام آنچه مخالفین فدرالیسم بیش از هر چیز از آن هراس دارند، میتواند نتیجه عدم توجه آنها به خواسته های سیاسی ایالات ایران شود، و آنهم تجزیه ایران نظیر یوگسلاوی است. در واقع در دنیای کنونی نه تنها دولت مرکزی میتواند و باید در برابر دولت های ایالتی بخاطر زیر پا گذاشتن حقوق بشر بایستد، نظیر تجربه جنگ داخلی در آمریکا، بلکه نهادهای گلوبال نیز میتوانند و بایستی در برابر دولتهای ایالتی، فدرال، و یا متمرکز، بخاطر سلب حقوق بشر بایستند.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

1383 دې 12

January 1, 2005

مقالات تنوريک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>